

## مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 22 - گریه امام سجاد (ع) در فراق شهیدان

روایت شده در باره امام سجاد (علیه السلام) با آن مقام حلم و بردباری که داشت که در وصف نگنجد، بسیار گریه بر پدر بزرگوارش می نمود و بر یاد آن مصیبتت ها صاحب شکوی و اندوه عظیم بود؛ چنانکه از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: امام زین العابدین (علیه السلام) مدت چهار سال بر پدر بزرگوار خود گریه نمود و در این مدت چهل سال ، روزها و روزه و شبها به عبادت قیام دشات و چون هنگام افطار می شد ، ...

### مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 22 - گریه امام سجاد (ع) در فراق شهیدان

- روایت شده در باره امام سجاد (علیه السلام) با آن مقام حلم و بردباری که داشت که در وصف نگنجد، بسیار گریه بر پدر بزرگوارش می نمود و بر یاد آن مصیبتت ها صاحب شکوی و اندوه عظیم بود؛ چنانکه از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: امام زین العابدین (علیه السلام) مدت چهار سال بر پدر بزرگوار خود گریه نمود و در این مدت چهل سال ، روزها و روزه و شبها به عبادت قیام دشات و چون هنگام افطار می شد، غلام آن حضرت آب و طعام در پیش روی آن جناب حاضر می نمود و از امام می خواست تا از آنها میل فرماید، امام سجاد (علیه السلام) فرمود قتل ابن رسول الله ...؛ یعنی فرزند رسول خدا را گرسنه شهید نمودند، فرزند پیغمبر را در حالی که عطشان بود شهید کردند. پیوسته این سخن را می گفت تا آن طعام از اشک چشم آن حضرت تر می گردید و آب آشامیدنی نیز با اشک دیدگانش ممزوج می شد و به این حال بود تا اینکه از دار دنیا وفات کرده و با پروردگارش ملاقات نمود. از غلام امام سجاد (علیه السلام) روایت است که گفت : روزی امام (علیه السلام) به صحرا تشریف بردند و من نیز به دنبال ایشان رفتم ، دیدم که آن جناب روی سنگ درشتی به سجده رفت و من هم ایستاده گوش دادم صدای گریه و ناله او را می شنیدم و شمردم هزار مرتبه در آن سجده می گفت : ((لا اله الا...))؛ سپس سر مبارک از سجده برداشت در حالتی که صورت و ریش مبارکش از آب چشمانش تر

قد غمرا من الدموع .

فقلت : یا مولای ، اما آن لحزنك اءن ینقضی ؟ و لبكائك اءن یقل ؟

فقال لی : ((ویحك ، ان یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم كان نبیا ابن نبی له اثنی عشر ابنا، فغیب الله سبحانه واحدا منهم فشاب راءسه من الحزن و احدودب ظهره من الغم والههم و ذهب بصره من البكاء و ابنه حی فی دار الدنيا، و اءنا راءیت اءبی و اءخی و سبعة عشر من اءهل بیتی صرعی مقتولین ، فكیف ینقضی حزنی و یقل بكائی؟!)).

و ها اءنا اءتمثل و اءشیر الیهم صلوات الله علیهم ، فاءقول :

من مخیر الملبسینا بانتزاحهم ... ثوبا من الحزن لا یبلی و یبلینا

ان الزمان الذی قد كان یضحكنا ... بقربهم صار بالتفریق بیكینا

حالت لفقدهم اءیامنا فعدت ... سودا و كانت بهم بیضا لیالینا

گردیده بود.

عرض کردم : ای سید و مولای من ! آیا وقت آن نرسیده که اندوه شما تمام و گریه تان اندک شود؟

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: وای بر تو! یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم (علیه السلام)، نبی بن نبی بن نبی بوده و دوازده پسر داشت ، خداوند یکی از پسرانش را از نظر او غائب گردانید، از اندوه هجران او، موی سرش سفید گشت و از انبوه غم کمرش خم شد و چشمانش از بسیاری گریه ، نابینا گردید و حال آنکه هنوز فرزندش زنده بود، ولی من به چشم خود دیدم که پدر و برادر و هفده نفر از اهلبیتم در برابر چشم خویش ، آن دشمنان کافر کیش ، کشته و بر خاک افکندند؛ پس چگونه اندوه من تمام و گریه ام اندک شود؟! مؤ لف گوید: من به همین مناسبت به اشعاری تمثیل می جویم و آن ابیات را در این جا ذکر می نمایم :

((من مخیر...))؛ یعنی کیست آنکه به شهیدان کربلا خبر رساند که از دوری خود لباس حزن و اندوه را به ما پوشانیدند، لباس اندوهی را که هرگز کهنه و پوسیده نمی گردد بلکه او باقی است تا آنکه بدنهای ما را بیوساند؛ همان روز گاری که ما را به قرب و وصال ایشان تاکنون خندان می داشت ، اکنون به سبب فراق آنان ما را گریانید. دوری همیشگی ایشان ، روزگار مرا دگرگون و سیاه گردانید، پس از آنکه شبهای تاریک ما را منور ساخته بود.

و هاهنا منتهی ما اءردناه و آخر ما قصدناه ، و من وقف علی ترتیبه و رسمه مع اختصاره و صغر حجمه عرف تمییزه علی اءبناء جنسه و فهم فضیله فی نفسه .

و الحمد لله رب العالمین و صلاته و سلامه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین .

مؤ لف گوید: در این جا نوشته ما به پایان می رسد و هر کس از مطالعه کنندگان با دقت و امعان نظر آن را ملاحظه نماید خواهد دانست که به انحصار و صغر حجم چگونه بر امثال خود امتیاز و رجحان دارد.

مترجم گوید: اگر چه در اول ترجمه به عرض اخوان رسانید که ترجمه این کتاب شریف در اندک زمانی ختم گردید و لکن چون در ایام ماه مبارک رمضان سال 1321 هـ. ق بنای طبع گردید، تفسیر از اسلوب اول به نظر قاصر ارجح آمد فلذا با کمال جهد و کوشش متصدی اعراب و تصحیح لغات و تعلیق بعضی حواشی مفیده و تلیق متن با ترجمه گردیدم و اشهد بالله کمال زحمت و مشقت در این باب اتفاق افتاده بخصوص در تصحیح و ماءخذ لغات و از جمله ، مشقت فوق العاده آنکه در مقابله نمودن يك جز و از اول کتاب فی الجملة تسامح گردید، چون این احقر مطلع گردیدم زحمت را بر خود قرار دادم که تمام جزو اول را مرور نموده و کاملا تصحیح نمایم .

امید از اخلاق کریمه اهل کمال و ارباب فضل آن است که بر لغزشها و خطایای واقفه ذیل عفو بیوشانند که هیچ انسانی از خطا محفوظ نیست .